

مطالعه تطبیقی مالیات تکافلی و مالیات محلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۸ مجید حبیبیان نقیبی *

چکیده

فصلنامه علمی ترویجی دین و قانون / شماره ۲۶ / زمستان ۹۸

مالیات، همزاد زندگی اجتماعی انسان‌ها و تشکیل حکومت‌هاست. این نهاد در ابتدا به شکل بسیط، محدود و محلی بوده و با گذشت زمان، تکامل یافته و البته اوج و حضیض‌هایی داشته است. نوشتار حاضر درصدد ارائه ایده جدیدی با عنوان «مالیات تکافلی» است که اخذ و تخصیص درآمدهای مالیاتی به شکل محدود به بخش مردم‌نهاد با محوریت شوراها و مساجد محله‌ها را مدنظر قرار داده است. بر این اساس، پرسش‌های قابل ذکر عبارت است از: ۱. آیا جعل چنین اصطلاحی صحیح است؟ ۲. آیا با نظام مالیه اسلامی، سازگاری دارد؟ ۳. آیا با فرهنگ مالیاتی جامعه ایران همخوانی دارد؟ ۴. آیا در نظام مالیاتی متعارف، نمونه‌ای نزدیک به آن را می‌توان یافت؟ ۵. در صورت وجود نهادی نزدیک (مانند مالیات محلی)، بر اساس معیار مالیات‌های خوب و ویژگی‌های تکالیف مالی اسلامی، مالیات تکافلی در مقایسه با آن از چه جایگاهی برخوردار است؟ ۶. و در نهایت آیا زمان آن نرسیده است که نسبت به نهادی بومی (ایرانی - اسلامی) امکان‌سنجی و زمینه‌سازی ارائه طرح یا لایحه مناسب صورت پذیرد؟ تحقیق حاضر در تلاش است ضمن بررسی مفاهیم مالیات، تکافل، مالیات محلی و مالیات تکافلی، مروری بر ویژگی‌های تکالیف مالی اسلامی و مالیات خوب داشته باشد و دو نوع مالیات مذکور را بر اساس این ویژگی‌ها به اجمال مقایسه کند و

*. مجید حبیبیان نقیبی، استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (majidhabibian@atu.ac.ir)

ترجیح مالیات تکافلی بر مالیات محلی را نشان دهد. اگر این مقاله بتواند ضمن معرفی «مالیات تکافلی» به عنوان نهادی بومی (اسلامی - ایرانی)، محله محور و مسجد محور، توجه اندیشمندان، کارگزاران و قانونگذاران را نسبت به این نوع از مالیات، جلب کند و زمینه ارائه طرح و لایحه مناسبی را برای آن فراهم آورد، به هدف خود رسیده است.

واژگان کلیدی: مالیات، مالیات تکافلی، مالیات محلی

مقدمه

مالیات، مفهومی همزاد حکومت در جوامع انسانی است و حکومت نیز ضرورت هر جامعه انسانی و تحصیل درآمد لازمه لاینفک آن می‌باشد. برخی، مالیات را سالم‌ترین روش کسب درآمد حکومت دانسته‌اند. البته مشکلات و موانع فراروی تحصیل درآمد، همه نظام‌ها را به چالش کشیده است و کشور ایران نیز از این امر مستثنی نیست.

در این نوشتار سعی شده است با اتکا بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی - ایرانی، ضمن معرفی مالیات تکافلی، این نهاد بومی را با مالیات محلی بر اساس ویژگی‌های مالیات مناسب و مطلوب و تکالیف مالی اسلامی، مقایسه کند و نشان دهد مالیات تکافلی ضمن برخورداری از بسیاری از ویژگی‌های مالیات خوب، با فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جوامع اسلامی و از جمله ایران سازگاری بیشتری دارد. روش تحقیق حاکم بر این نوشتار، توصیفی - تحلیلی است که با شیوه اسنادی جمع‌آوری اطلاعات صورت می‌پذیرد.

۱. مفاهیم

۱.۱. مالیات

واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی به معانی باج، خراج، ارتفاع، حاصل و محصول به کار می‌رود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۵۵۰؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۱۷۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۷، ص ۳۲). این واژه جمع مالیه به معنای چیزی است که به دارایی و اموال تعلق دارد. مالیات در اصطلاح، سهمی است که به موجب اصل تعاون ملی و بر اساس مقررات، شهروندان موظفند از ثروت و درآمد خود، به منظور تأمین هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اقتصادی یا سیاسی و اجتماعی کشور، به قدر و توانایی خود به دولت بدهند تا در مصالح عمومی جامعه مصرف کند (امینی، ۱۳۸۴: ۷۵).

۱.۲. تکافل

در لغت: کفل به معنی ضمانت، تضمین، بیمه و سرپرستی آمده و نیز به معنی آن است که مخارج روزمره فلانی را داد و به امور وی رسیدگی کرد. کافل به معنی ضامن و کفیل می‌باشد و تکافل فعل خماسی لازم و به معنی تعاضد و تضامن به صورت مطلق است؛ یعنی بعضی از آن قوم کفیل بعضی دیگر شدند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۱، ص ۵۹۰؛ بستانی، ۱۳۷۶: ۱۷۲).

در اصطلاح: تکافل امری دوسویه است. تکافل مبتنی بر اصل قرآنی تعاون و به معنای «کمک متقابل میانگروهی» است و هر عضوی در حمایت از نیازمندان داخل گروه سهم دارد. مسئولیت‌ها و تکالیف اعضای جامعه نسبت به هم، تشریک مساعی و تعاون و معاضدت افراد یک جامعه در جهت مرتفع ساختن مسائل و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی را تکافل می‌گویند (ر.ک: کرمی و پورمند، ۱۳۸۵: ۱۵۱). نکته مهم آنکه تکافل اجتماعی قابل فهم از مبانی دینی، صرفاً برای برآورده ساختن سه نیاز (مسکن، غذا و پوشاک) نیست، بلکه شامل تمام نیازهای مادی و معنوی انسان می‌گردد؛ ازاین‌رو اصطلاح «بیمه تکافلی» با اقبال عرف همراه شد.

۲. پیشینه مفهومی تکافل

ادبیات مربوط، اولین استفاده از تکافل را به «ضمان عاقله» نسبت می‌دهند. عاقله به افرادی غیر از جانی گفته می‌شود که در قتل یا جرح خطایی محض مسئول پرداخت دیه می‌باشند (ر.ک: ماده ۳۰۷ ق.م.ا). با توجه به مفهوم ضمان عاقله و الزام پرداخت دیه، بی‌تردید می‌توان اذعان داشت که تکافل در بدو امر در ارتکاز عرفی به اموری که پرداخت آن الزامی بود، اطلاق می‌شد و در ادامه در مواردی که روح تبرع در آن حاکمیت داشت، استعمال شده است. برخی نیز در بیان حکمت تشریع زکات گفته‌اند: تفاوت بین انسان‌ها در ارزاق، مواهب الهی و توانایی تحصیل درآمد، امری واقعی و غیر قابل انکار است؛ چنان‌که «وَاللّٰهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ» (نحل: ۷۱) به همین مطلب اشاره دارد و انتظار می‌رود شریعت اسلامی برای آن

چاره‌ای اندیشیده و حق واجبی که در اموال اغنیا، نه از روی تبرع و منت برای فقرا در نظر گرفته است (ذاریات: ۱۹)، از همین باب باشد. در واقع نهاد زکات بهترین راه برای رفع تفاوت مذکور و تحقق تکافل اجتماعی در اسلام است (الزحیلی، ۲۰۰۸: ج ۲، ص ۶۴۴). همچنین گفته شده است: زکات باعث تطهیر نفس مؤمن از بخل است و مؤمن را به سوی بذل و سخاوت سوق می‌دهد تا فقط به زکات اکتفا نکند، بلکه سایر نیازهای حکومت اسلامی مانند تجهیز لشکر، مقابله با دشمنان و کمک به فقرا برای رسیدن به حد کفاف را برطرف سازد. همه این موارد برای تحقق تکافل بین فقرا و اغنیاست (همان: ص ۶۴۴ - ۶۴۵).

البته آیت‌الله شهید صدر در ضمان اجتماعی از آن استفاده کرده است و ضمان اجتماعی مربوط به تکافل را به نیازهای حیاتی افراد جامعه که بدون آن حیات و زندگی تحقق نمی‌یابد، محدود می‌کند (صدر، ۱۴۲۵ق: ۶۹۷-۷۰۰). بر اساس این بیان، ممکن است تصور شود استعمال تکافل صرفاً در امور تبرعی جایز است؛ ولی باید دانست که تکافل اجتماعی لزوماً در امور تبرعی منحصر نیست. ضمن آنکه استعمال تکافل در امور تبرعی توسط فقیه عظیم‌الشان آیت‌الله شهید صدر، باعث انحصار آن در امور تبرعی نخواهد شد.

بنابراین از معنی لغوی، معنی اصطلاحی و پیشینه مفهومی و ریشه استعمال، می‌توان نتیجه گرفت که «تکافل» به معنی کفالت جمعی است و در امور الزامی و تبرعی استعمال شده و می‌شود و استفاده از آن در اموری مانند مالیات الزامی، صحیح و بلاشکال است.

۳. مالیات محلی

به مالیاتی که علاوه بر مالیات ملی وضع می‌شود، «مالیات محلی»^۱ می‌گویند. مالیات محلی عموماً در قالب دارایی (املاک)، فروش، آب، فاضلاب، مدارس و در

موارد خاصی بر درآمد تعلق می‌گیرد. این مالیات عموماً مصارف اجتماعی دارد
[http://www.businessdictionary.com/definition/local-\(taxes.html#ixzz3oKOyFseC](http://www.businessdictionary.com/definition/local-(taxes.html#ixzz3oKOyFseC)). در واقع مالیات محلی، مالیاتی است (Bell, Brunori, Youngman; April 2010) که در محدوده یک شهرستان یا شهرداری توسط مقامات محلی وضع و اخذ می‌گردد و درآمد حاصل از آن به طیف گسترده‌ای از خدمات شهری مانند جمع‌آوری زباله، تعمیر و نگهداری فاضلاب و مانند آن، تخصیص داده می‌شود. البته نرخ و پایه مالیاتی در مالیات محلی، با توجه به موقعیت و وضعیت محله، به‌طور معنی‌داری متغیر است و در برخی موارد به‌عنوان مالیات شهرداری^۱ شناخته می‌شود.

۴. مالیات تکافلی

مالیات محلی ایده جدید و البته نهادی مردمی برای اخذ و تخصیص مالیات و مبتنی بر شریعت اسلامی است. در واقع نوعی تشکل مردم‌نهاد مالیاتی مسجدمحور با اتکا بر شوراهای اسلامی محلی می‌باشد.

در مالیات تکافلی، اولاً: همهٔ آحاد و اقشار جامعه هدف، در جمع‌آوری مالیات و تخصیص (مصرف) آن، مخاطب خاص در نظر گرفته می‌شوند. ثانیاً: در هر محله، دهستان، بخش، شهرستان و استان، رابطه معنی‌داری بین درآمد حاصله مالیاتی و تخصیص و هزینه در همان قلمرو برقرار می‌گردد. ثالثاً: دولت و مسئولان سازمان مالیاتی، در مورد منابع درآمدی مالیاتی مبسوط الید نیستند. رابعاً: بین منابع درآمدی مالیاتی و سهم مخارج جاری و عمرانی، رابطه منطقی و قابل دفاعی برقرار می‌شود. خامساً: نقش محسوس مالیات در توزیع مناسب لاقط در عرض (عدالت افقی)، تبیین و آشکار می‌گردد. سادساً: فعالیت‌های اقتصادی به میزان ممکن شفاف می‌شود و فرار

1. Municipal Tax .

و اجتناب مالیاتی به حداقل می‌رسد. سابعاً: مخاطرات اخلاقی کاهش می‌یابد و به حداقل میزان ممکن می‌رسد. ثامناً: حتی‌المقدور بُعد مردم‌نهادی آن حفظ، تصدی دولت حداقل و نظارت و هدایت حکومت حداکثر می‌شود. تاسعاً: درون‌زایی این نهاد در قالب محله‌محوری و مسجد‌محوری به‌خوبی تبلور می‌یابد.

۵. مالیات خوب و ویژگی‌های آن

دریافت مالیات که می‌تواند به معنی دخالت دولت در اقتصاد و اخراج منابع از گردونه فعالیت اقتصادی (نشت) محسوب گردد، ممکن است کاهش رفاه اجتماعی (هزینه دخالت) را منجر شود و چه بسا تالی‌فاسدهای دیگری را در پی داشته باشد. از این‌رو اندیشمندان درصدد یافتن روشی بودند که ضمن کسب درآمد لازم برای حاکمیت، حداقل نواقص و هزینه‌ها را بر جامعه تحمیل کند. نتیجه این تلاش‌ها، ظهور مفهوم «مالیات خوب»^۱ در ادبیات مالیه است. دیرزمانی نیست که این اصطلاح مطرح شده و به سرعت جایگاه مناسبی پیدا کرده است. برای مالیات خوب ویژگی‌هایی ذکر کرده‌اند که می‌تواند معیار مناسبی برای مقایسه مالیات تکافلی و مالیات محلی باشد. در ادامه برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های مالیات خوب^۲ را مرور خواهیم کرد:

۵.۱. برابری و عدالت^۳

عدالت افقی و عمودی از مباحث مهم مالیات‌ها می‌باشد و اگر مالیاتی نتواند این خصوصیت را فراهم کند، بی‌تردید در زمره مالیات خوب قرار نمی‌گیرد. این قاعده را که برای افراد با شرایط یکسان مالیات یکسان در نظر گرفته شود، برابری یا عدالت می‌نامند. هنگامی که سیستم مالیاتی نتواند تمام جوانب را برای تمامی افراد در یک طبقه درآمدی یا در طبقات مختلف در نظر بگیرد، طبعاً نمی‌تواند عدالت را به معنای

1. Good Tax

2. Principles of Good Tax

3. Equity and fairness

کامل تحقق بخشد. ازاین‌رو در مالیات مناسب، باید عدالت و برابری عمودی و افقی مورد توجه قرار گیرد.

۵.۲. اطمینان^۱

مسئولیت مالیاتی افراد باید کاملاً مشخص و بی‌ابهام باشد. قوانین مالیاتی باید دقیقاً مشخص سازد که مالیات به چه صورتی، در چه بازه زمانی و به چه مقداری باید پرداخت شود. همچنین این قوانین باید به شکلی باشد که مالیات‌دهنده بداند چه چیزی شامل مالیات می‌شود و نرخ مالیات آن، چه مقدار بوده است. پرداخت‌کنندگان مالیات باید قادر باشند بدهکاری مالیاتی خود را با اطمینان تشخیص دهند. این اطمینان برای یک سیستم مالیاتی مهم است؛ زیرا به بهبود مقبولیت قوانین و افزایش احترام سیستم مالیاتی می‌انجامد. این اطمینان عموماً از طریق اساسنامه و قوانین شفاف حاصل می‌شود که راهنمای اجرایی قابل فهم و به‌هنگامی را به‌سهولت در اختیار مؤدیان قرار می‌دهد.

۵.۳. سهولت پرداخت^۲

اخذ مالیات باید در مناسب‌ترین موضع و برحسب مساعدترین شرایط از مؤدیان وصول شود و برای آنان حداقل ناراحتی و مزاحمت را ایجاد کند. برای مثال مالیات کالاهای خریداری‌شده باید در زمان خرید دریافت شود. این سهولت در راستای اطمینان از مقبولیت مالیات اهمیت پیدا می‌کند. هرچه شیوه پرداخت مالیات دشوارتر باشد، احتمال پرداخت نشدن آن بالاتر می‌رود.

۵.۴. کارایی

ایجاد کارایی در نظام مالیاتی، بدین معناست که بتوان با حداقل منابع (انسانی و مالی) به حداکثر درآمد بالقوه دست یافت و درآمدهای مالیاتی نیز با اتکا بر نیازهای

1. Certainty

2. Convenience of payment

واقعی جامعه تخصیص داده شود. ممکن است تفویض تشخیص به نظر عموم مردم، باعث شود که تخصیص به شکل صحیحی صورت پذیرد.

۵.۵. صرفه جویی در جمع آوری^۱

هزینه جمع آوری مالیات باید کمترین میزان ممکن باشد. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های تحمیل شده مؤدیان مالیاتی بر دولت است. البته معمولاً مالیات‌های ساده‌تر هزینه کمتر و مالیات‌های پیچیده‌تر هزینه بیشتری دارند.

۵.۶. سادگی^۲

سیستم مالیاتی باید در ساده‌ترین شکل خود باشد. سادگی در سیستم مالیاتی، هم برای مؤدیان مالیاتی و هم برای کسانی که مالیات‌های مختلف را مدیریت می‌کنند، اهمیت دارد. قوانین پیچیده سبب بروز خطاهایی می‌گردد که بی‌اعتمادی به سیستم و کاهش مقبولیت را منجر خواهد شد.

۵.۷. بی‌طرفی^۳

تأثیر قانون مالیات بر کسب و کارها و تصمیمات فردی باید کمترین مقدار ممکن باشد. در واقع تأثیر قانون مالیات بر تصمیمات مؤدیان مالیاتی در رابطه با چگونگی انجام یک معامله خاص یا شرکت در یک معامله، باید در کمینه‌ترین میزان خود قرار گیرد. هدف اصلی سیستم مالیاتی نیز باید کمینه کردن انحراف‌ها در اقتصاد و کمترین تأثیرگذاری در تصمیمات افراد در بازار باشد.

۵.۸. شفافیت و پیدایی^۴

مؤدیان مالیاتی باید بدانند که مالیات چه زمانی و به چه شکلی برای آنها و سایرین تعیین می‌شود. یک سیستم مالیاتی خوب نیازمند مؤدیانی است که بدانند

1. Economy of collection

2. Simplicity

3. Neutrality

4. Transparency and visibility

مالیات‌ها چگونه تعیین و جمع‌آوری می‌گردند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. پیدایی، افراد و کسب‌وکارها را قادر می‌سازد تا هزینه واقعی معاملات را بدانند و چگونگی تأثیر مالیات بر آنها و اقتصاد را دریابند.

نظام مالیاتی نباید هیچ ابهامی داشته باشد و مردم باید آگاهی روشنی از آن داشته باشند؛ چراکه هنگامی که مالیات‌ها شفاف و صریح نباشند، بعضی از هزینه‌های واقعی دولت به نظر مجانی خواهد رسید. به علاوه شفافیت، زمینه اجتناب و فرار مالیاتی را از بین می‌برد.

۵.۹. منافع مناسب دولت^۱

سیستم‌های مالیاتی باید تا حدی قابلیت پیش‌بینی و اعتماد داشته باشند تا دولت را قادر سازند میزان منافع دریافتی خود و زمان دریافت آن را مشخص سازد. این امر به‌خصوص در سطوحی از دولت که بر اساس بودجه متوازن فعالیت می‌کند، بسیار تأثیرگذار است. البته سطح مطلوب مالیات به طور مطلق وجود ندارد؛ بلکه سطحی را مطلوب می‌نامند که بتواند هزینه‌های دولت را به شرط معقول بودن، پوشش دهد.

۵.۱۰. برقراری پایه گسترده^۲

مالیات‌ها باید از پایه گسترده و متنوعی برخوردار باشند تا بتوان نرخ مالیات را در پایین‌ترین میزان ممکن قرار داد. یک ترکیب از مالیات‌ها موجب پایه مالیاتی پایدارتری می‌گردد؛ چراکه انواع مختلف مالیات‌ها، واکنش متفاوتی در برابر تغییرات اقتصادی نشان می‌دهند.

۵.۱۱. اطمینان از فرایند باز^۳

تدوین و تصویب قوانین مالیاتی باید بر اساس تحلیل‌های اقتصادی محتاطانه و فرایندهای قانونی شفاف و در واقع از انعطاف لازم برخوردار باشد. قانون‌گذاری در

1. Appropriate government revenues

2. Maintain a broad base .

3. Ensure an open process .

مالیات باید همراه با گوش‌های شنوا انجام شود و همواره امکان اضافه کردن تبصره در قانون و پیشنهادهای طرح‌ها وجود داشته باشد.

۵.۱۲. استقلال

نظام مالیاتی و درآمدی حکومت مرکزی نباید به درآمد منطقه یا منبع خاص وابستگی پیدا کند؛ زیرا بخشی از مخارج دولت معمولاً ثابت است و آنها را نمی‌توان در کوتاه‌مدت تغییر داد.

۵.۱۳. خوداظهاری

امروزه در بیشتر کشورها شیوه وصول مالیات از روش اجبار مؤدیان به پرداخت مالیات به روش اختیاری و خوداظهاری پرداخت مالیات تغییر کرده است. این تغییر شیوه در وصول مالیات باعث افزایش تمرکز سازمان‌های مالیاتی بر توسعه فرهنگ و تمکین مالیاتی جهت نیل به هدف وصول مالیات شده است.

۵.۱۴. فرهنگ مالیاتی

بهبود و توسعه فرهنگ مالیاتی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی و افزایش کارایی و اثربخشی وصول مالیات تلقی می‌شود. سازمان‌های مالیاتی کشورهای مختلف در صدد هستند با ایجاد شرایط مناسب، اعتماد مؤدیان مالیاتی را جلب و از این طریق با صرف هزینه‌های کمتر، بخش اعظمی از مالیات‌های خود را بر پایه اعتماد متقابل و مشارکت مؤدیان مالیاتی وصول نمایند. البته باید توجه داشت که یک سیستم مالیاتی خوب، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، علاوه بر ویژگی‌های مذکور باید در راستای اهداف خاصی مانند رشد اقتصادی، بهبود توزیع درآمد و اطمینان از پایداری اقتصادی باشد.

۶. ویژگی‌های تکالیف مالی اسلامی

معمولاً در مجامع علمی و اجرایی، از ویژگی‌های ارزشمند تکالیف مالی اسلامی و بررسی راهکارهای اشراپ آن در مالیات‌های متعارف صحبت به میان می‌آید.

واقعیت آن است که تلاش برای اشراب ویژگی‌های مثبت تکالیف مالی اسلامی در مالیات‌های متعارف، راهی انحرافی است و اگر نگوئیم تلاشی ابتر و بی‌اثر است، لااقل نتایج حداقلی را در پی خواهد داشت؛ چون شاکله این روش، نادیده گرفتن علت و تلاش برای اصلاح معلول است. بی‌تردید هر نظام اقتصادی، نهاد مالی خاص و ویژگی‌های متناسب با آن را داراست. نمی‌توان انتظار داشت ویژگی‌های مثبت تکالیف مالی اسلامی که از نظام خاص اقتصادی نشئت گرفته است، به‌سادگی در مالیات‌های موضوعه اشراب گردد.

با توجه به این واقعیت است که این نوشتار درصدد معرفی نهادی سازگار با نظام مالیاتی شریعت اسلامی است که ویژگی‌های مثبت مورد نظر به طور طبیعی از آن بجوشد، نه آنکه با قدرت قاهره حکومت و مانند آن، اشراب شود. در هر حال، برخی از ویژگی‌های مثبت تکالیف مالی اسلامی که معمولاً در ادبیات مربوط^۱ از آن یاد می‌شود، عبارتند از: «عبادی بودن؛ معین بودن موارد مصرف هر مالیات؛ مردمی و اخلاقی بودن؛ داوطلبانه بودن مالیات‌ها؛ مستقیم بودن؛ نسبی بودن، غیرقابل انتقال بودن؛ تشویق تولید؛ تخصیص در محل؛ افزایش کارایی؛ تخصیص بهینه؛ کاهش مخاطرات اخلاقی، نظام کارای پاداش و تنبیه؛ اقتدار مناسب؛ تشویق فعالیت‌های مولد؛ هدفمندسازی؛ کاهش فرار و اجتناب مالیاتی».

با اغماض از همپوشانی برخی از ویژگی‌ها، در ادامه مالیات محلی و مالیات تکافلی را بر اساس این ویژگی‌ها مرور می‌کنیم.

۶.۱. مالیات محلی و ویژگی‌های مالیات خوب و تکالیف مالی اسلامی

همان‌گونه که در مفاهیم گفته شد، مالیات محلی مالیاتی است که در محدوده یک شهرستان یا شهرداری توسط مقامات محلی وضع و اخذ می‌گردد و معمولاً در قالب مالیات بر املاک تبلور می‌یابد و درآمد حاصله در طیف گسترده‌ای از خدمات شهری مانند جمع‌آوری زباله، تعمیر و نگهداری فاضلاب تخصیص داده می‌شود. البته نرخ و

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: صدر، ۱۳۸۱: ص ۹۳ و ۱۴۴؛ حمزه‌پور و صدر و کفایی، ۱۳۸۱: ص ۱.

پایه مالیاتی در مالیات محلی، با توجه به موقعیت و شرایط محله، به طور معنی‌داری متغیر است و در برخی موارد به عنوان مالیات شهرداری شناخته می‌شود. مالیات محلی دارای مزایایی است که آن را از مالیات ایالتی یا فدرال متمایز می‌سازد. شهرداری‌ها باید مالیات محلی را ابزاری تعدیل‌کننده در نظر بگیرند. بالطبع افزایش نامعقول مالیات زمینه‌ساز شورش و مخالفت مؤدیان و کاهش شدید آن موجب تقلیل خدمات ضروری خواهد شد (<http://www.investopedia.com/terms/l/localtax.asp>). در واقع مالیات محلی مالیاتی است که اولاً: مقام محلی نرخ و پایه آن را مشخص می‌سازد و ثانیاً: عواید حاصل از آن را برای مقاصد خاص خود نگه می‌دارد (<http://www.businessdictionary.com/definition/local-taxes.html>).

در ایران مالیات محلی در قالب عوارض شهرداری تبلور یافته است و مالیات محلی در اقتصاد ایران مطرح نیست. آنچه در حال حاضر تحت عنوان درآمدها و مالیات‌های استانی و عوارض مالیات بر ارزش افزوده در حال اجرا است، از نظریه‌های مالیات محلی و برنامه آمایش سرزمین کاملاً مستقل است. آنچه صورت می‌پذیرد، صرفاً به شکل اجرایی جمع‌آوری مالیات متعارف مربوط می‌شود و تخصیص درآمدهای مالیاتی در سطح استان‌ها نیز براساس یک تقسیم‌بندی صوری خاص و بدون توجه به مباحث تخصیص بهینه نظریه‌های اقتصادی انجام می‌پذیرد. مالیات‌های محلی یکی از ابزارهای مرتبط با سیاست‌های توسعه استانی و برنامه‌های آمایش سرزمین در کشورهای مختلف محسوب می‌گردد. معرفی و توسعه سیستم مالیات‌های استانی فقط به کشورها یا حکومت‌های غیرمتمرکز یا فدرال مربوط نمی‌شود؛ چه‌اینکه کشورهایی با حکومت متمرکز، بیشتر از کشورهای با حکومت فدرال تمایل به استفاده از مالیات‌های محلی شده‌اند. توجه و تمایل به مالیات‌های محلی به علت کارایی و مزیت‌های آن است. کشورهایمانند چین، تایلند، آلمان و فرانسه، تجربیات ارزشمندی در اجرای مالیات‌های محلی دارند.^۱

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: هاشمی، (تابستان ۱۳۸۸): ص ۶۳-۴۸؛ مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، تابستان ۱۳۹۱.

برخی از ویژگی‌های مالیات محلی عبارتند از: ۱. افزایش استقلال دولت‌های محلی؛ ۲. ارائه راهکاری برای تأمین مالی مبتنی بر تمرکززدایی؛ ۳. پاسخ به نیازهای محلی برای اقتصادهای در حال گذار به دلیل حجم قابل توجه مالیات بر دارایی؛ ۴. رابطه مستقیم بین نرخ مالیات محلی و شرایط محل زندگی؛ ۵. توجه به مالیات محلی به عنوان درصدی از درآمد مشمول مالیات؛ ۶. تفاوت نرخ و پایه مالیات محلی در محلات مختلف با ویژگی‌های متفاوت.

۶.۲. مالیات محلی و مالیات خوب

با این اوصاف، نسبت به برخورداری مالیات محلی از ویژگی‌های مالیات خوب، به اجمال می‌توان گفت در این نوع مالیات ۱. زمینه‌های «برابری و عدالت» تا حدی در مالیات محلی موجود است، ولی وجود محاضرات اخلاقی و زمینه‌های سوءاستفاده در عمل می‌تواند وجود این ویژگی را خدشه‌دار نماید. ۲. مالیات محلی به لحاظ ویژگی اطمینان از زمینه مناسبی برخوردار است. به این معنی که قوانین و مسئولیت مالیاتی در مالیات محلی تا حدی مشخص و بی‌ابهام است. ۳. ممکن است به دلیل سوءمدیریت مقامات محلی سهولت پرداخت، خدشه‌دار شود. ۴. مالیات محلی می‌تواند به لحاظ کارایی از جایگاه مناسبی برخوردار باشد و با حداقل منابع (انسانی و مالی) به حداکثر درآمد بالقوه دست یابد و درآمدهای مالیاتی نیز باید با اتکا بر نیازهای واقعی تخصیص داده شود و تخصیص نیز به شکل مناسبی صورت پذیرد. ۵. در هزینه جمع‌آوری در مالیات محلی می‌توان صرفه‌جویی لازم را رعایت کرد. ۶. سیستم مالیاتی در مالیات محلی تابع سیستم مالیاتی ملی است؛ اگرچه می‌توان با اصلاحاتی از پیچیدگی‌های آن کاست تا مالیات محلی به لحاظ سادگی از جایگاه مناسبی برخوردار گردد. ۷. اگر مالیات ملی بی‌طرف نباشد، مالیات محلی نمی‌تواند به سادگی بی‌طرفی خویش را حفظ کند. ۸. مالیات محلی در مقایسه با مالیات ملی از شفافیت و پیدایی بیشتری برخوردار است. اگرچه این ویژگی در

مالیات محلی نسبی است و به رویکردهای حاکم بر مجریان بستگی تام دارد. ۹. درآمدها در مالیات محلی تا حد قابل قبولی قابل پیش‌بینی است و حاکمان محلی را قادر می‌سازد برنامه‌ها را در زمان مقرر به اجرا درآورند. ۱۰. پایه‌ها در مالیات محلی معمولاً از مالیات ملی گسترده‌تر نیست و به لحاظ این ویژگی، تفاوت بارزی بین آنها مشاهده نمی‌شود. ۱۱. مالیات محلی می‌تواند از انعطاف لازم برخوردار باشد. البته رویکرد حاکم بر تفکر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان محلی در این ویژگی بسیار مهم است. ۱۲. ممکن است مالیات محلی به منبع مهم درآمدی منطقه وابستگی تام پیدا کند و از منظر ویژگی استقلال از جایگاه مناسبی برخوردار باشد. ۱۳. شفافیت اطلاعات فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند زمینه مناسبی را برای افزایش سهم خوداظهاری در مالیات محلی فراهم آورد. ۱۴. اخذ مالیات و تخصیص آن در همان محله می‌تواند به بهبود فرهنگ مالیاتی منجر شود.

۶.۳. مالیات تکافلی و ویژگی‌های مالیات خوب و تکالیف مالی اسلامی

وجود دیدگاهی که زکات را موجب تحقق تکافل بین فقرا و اغنیا می‌داند (الزحیلی، ۲۰۰۸: ج ۲، ص ۶۴۴-۶۴۵)، زمینه‌ای فراهم می‌آورد که اصطلاح «مالیات تکافلی» را شیوه خاصی از اخذ و تخصیص مالیات متعارف بدانیم که نه تنها با آموزه‌های اسلامی سازگار است، بلکه شالوده آن بر شریعت اسلامی، مردم‌محوری و مسجد‌محوری مبتنی است، و به نوعی بسیاری از ویژگی‌های مالیات‌های خوب و تکالیف مالی اسلامی را در خویش جای داده است. در ادامه به اختصار، الزامات و ویژگی‌های آن را بررسی خواهیم کرد.

۶.۳.۱. عزم و جسارت واگذاری

معمولاً تصدی منابع و درآمدهای مالیاتی برای دولت و متولیان آن، اقتدارآور است و چشم‌پوشی از آن آسان نیست. به نظر می‌رسد که حکومت باید جسارت لازم و به نوعی از خودگذشتگی داشته باشد تا آن را به منتخبان بخش خصوصی واگذار کند.

۶.۳.۲. شورامحوری

هنوز هم صبغه مردمی شوراها بیشتر از دولتی بودن آن است. اما به نظر می‌رسد با سرعت کم ولی فزاینده، شاهد تحول ماهوی و تبدیل آن از نهادی مردمی به نهادی دولتی هستیم. واقعیت آن است که این دگردیسی بسیار خطرناک و نتیجه محتوم آن در نطفه خفه شدن همه تشکل‌های مردم‌نهاد خواهد بود. با سپردن بار اصلی مالیات تکافلی به شوراها، زمینه تقویت اقتدار و تکیه آن بر آحاد مردم بیشتر فراهم می‌گردد. اما باید با دقت روند تبدیل شوراها به نهاد دولتی کنترل شود و شرایط لازم را برای تقویت مردم‌نهادی شوراها، فراهم آورد.

از طرف دیگر شوراها، نمایندگان آحاد مردم هستند و از محدود نهادهایی است که اقتدار بخش خصوصی را به شکل سازمان‌یافته تبلور بخشیده است. با این حال واقعیت آن است که به دلیل برخی محدودیت‌ها، منتخبان لزوماً توانایی لازم برای تصدی امور مهم نظام را در همه سطوح دارا نیستند و قوانین، ساختار مناسب و همواری برای اعمال مصوبات آنان فراهم نکرده است و باید زمینه لازم تکفل مالیات تکافلی برای شوراها، محلی فراهم شود.

۶.۳.۳. آمادگی متولیان مساجد

مساجد و متولیان آن نیز صرفاً متولی اقامه نماز در سطح بسیار ضعیف هستند و از تکفل امور مهم حکومتی کاملاً دور مانده‌اند. هیئت‌امنائی مساجد، به شکل سنتی در اختیار عده‌ای متدین ریش‌سفید محلی است و انگیزه لازم برای ورود افراد توانمند وجود ندارد. در صورت اجرای مالیات تکافلی با محوریت مساجد، باید تحول معنی‌داری در هیئت‌امنائی مساجد صورت پذیرد.

۶.۳.۴. تخصیص در محل یا عدم نقل درآمد مالیاتی

مهم‌ترین ویژگی که منشأ ایده مالیات تکافلی بوده، «منع نقل درآمد مالیاتی» از محل تحصیل آن و به عبارتی تخصیص منابع حاصله در محل اخذ مالیات است. در منابع اسلامی آمده است: بر اساس نظر مشهور و حتی اجماع فقها، در صورت وجود

مستحق، انتقال زکات به شهر دیگر جایز نیست (النجفی، ۱۳۷۰: ج ۱۵، ص ۴۳۰). در روایت صحیح نیز آمده است که پیامبر اکرم (ص) معمولاً زکات هر محل را در همان محل تقسیم می‌کردند (حر عاملی، ۱۴۱۲ق: حدیث ۱) و انتقال آن به محل دیگر را جایز نمی‌دانستند (همان). البته برخی، با کمک روایات دال بر جواز، امر حاصل از جمله خبری در روایت اول را حمل بر استحباب و نهی در سیاق خبر در روایت دوم را بر کراهت حمل نموده‌اند (النجفی، ۱۳۷۰: ج ۱۵، ص ۴۳۲). البته اگر در شهری، مستحق پیدا نشود، انتقال زکات به شهر دیگر جایز است؛ ولی برخی آن را به اذن حاکم شرع و عده‌ای آن را به مکان نزدیک مقید نموده‌اند.

دقت شود که ملاک در همه این موارد، شهری است که مال در آن بوده است، نه مالک (همان: ص ۴۳۷؛ حر عاملی، ۱۴۱۲ق: حدیث ۱). بنابراین خوش‌نشین‌ها باید در روستاهایی که زمین و اموال در آن واقع است، مالیات را پرداخت کنند. اگر در شهری که می‌خواهد زکات بدهد، مستحق نباشد و نتواند زکات را به مصرف دیگری که برای آن معین شده، برساند، چنانچه امید نداشته باشد که بعداً مستحق پیدا کند، باید زکات را به شهر دیگر ببرد و به مصرف زکات برساند. ولی مخارج بردن (مکارم و زنجانی: به احتیاط واجب) به آن شهر به عهده خود اوست (اراکي، فاضل، بهجت، خویی، گلپایگانی، تبریزی و صافی: می‌تواند مخارج بردن به آن شهر را از زکات بردارد) و اگر زکات تلف شود، ضامن نیست (دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۱۶۲، مسئله ۱۹۷۵).

اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، می‌تواند زکات را به شهر دیگر ببرد، ولی مخارج بردن به آن شهر را باید از خودش بدهد و اگر زکات تلف شود، ضامن است (زنجانی: هر چند کوتاهی نکرده باشد) مگر آنکه با اجازه حاکم شرع باشد (خویی، تبریزی، سیستانی و بهجت: مگر آن‌که به امر حاکم شرع باشد) (مکارم: حتی اگر با اجازه حاکم شرع باشد، به احتیاط واجب ضامن تلف است) (همان: ص ۱۶۳، مسئله ۱۹۷۶).

در نتیجه با توجه به احادیث وارده، نظر فقهای امامیه و فتاوی مراجع معاصر، اصل اولی، تقسیم زکات هر محله در همان محل است و انتقال آن با شرایطی مانند فقدان مستحق در محل اخذ، به قید ضمانت، به حکم ثانوی جایز می باشد. البته بسیاری از فقهای امامیه و اهل سنت، انتقال را به بیش از حد مسافت به صورت مطلق، جایز ندانسته اند. بنابراین می توان اصل اساسی حاکم بر مالیات تکافلی را تخصیص درآمدهای مالیاتی هر محل در همان محدوده دانست و البته تعیین محله، روستا، دهستان، بخش، شهرستان و استان بر اساس تقسیمات رسمی کشوری و تا حدی بر اساس شوراهای مربوط و تمرکز بر مساجد باشد.

۶.۳.۵. تصدی بخش خصوصی و کاهش تصدی دولت

بیشتر اقتصاددانان معتقدند حتی المقدور باید اقتصاد را به بخش خصوصی واگذار کرد و صرفاً در موارد شکست بازار که بخش خصوصی تمایل یا توان لازم برای تصدی را ندارد، به بخش عمومی و دولتی واگذار شود. اما در عمل دولت ها متکفل بسیاری از فعالیت های اقتصادی هستند و تلاش برای خصوصی سازی از اهداف بسیاری از دولت ها در دهه های اخیر بوده است. تأسیس مالیات تکافلی و واگذاری آن به شوراها با محوریت مساجد، می تواند تصدی بخش خصوصی و خصوصی سازی به شکل صحیح را در امور مهم جامعه گسترش دهد و از تصدی گری دولت بکاهد و قدرت نظارت و هدایت دولت ها را افزایش دهد.

۶.۳.۶. مسجد محوری و احیای مساجد

تأسیس نهاد مسجد در اسلام برای اهداف بلندی از جمله اداره همه امور جامعه بوده است. بر این اساس مسجد در زمان پیامبر اکرم (ص) جایگاه قابل اعتنائی پیدا کرده بود؛ اما به مرور در قرن های بعد، جایگاه و کارکرد اصلی خویش را از دست داد و صرفاً به محلی برای اقامه نماز، آن هم به شکل ناقص، تبدیل شد. شاید اقامه نماز به شکل مذکور، هم نماز و هم مسجد را از تأثیرگذاری انداخته است؛ از این رو احیای

مساجد، می‌تواند اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته باشد که مالیات تکافلی درصدد تحقق آن است. احیای مساجد آثار بیشمار دیگری ندارد که بررسی آن در این نوشتار نمی‌گنجد.

۶.۳.۷. شفافیت اطلاعات

فقدان اطلاعات و عدم شفافیت آن، از مشکلات اساسی نظام‌های مالیاتی متعارف به شمار می‌رود. مالیات تکافلی به دلیل حضور در محل و تصدی آن توسط نمایندگان همان محل که آشنایی کامل با فعالیت‌های اقتصادی محدوده خویش دارند، به شفافیت اطلاعات کمک می‌کند و زمینه‌های فقدان اطلاعات و اطلاعات نامتقارن را از بین خواهد برد.

۶.۳.۸. حداقل سازی اجتناب و فرار مالیاتی

از چالش‌های مهم نظام‌های مالیاتی، اجتناب و فرار مالیاتی است که در اغلب موارد راهکارهای کنترل آن موفق‌آمیز نیست. مالیات تکافلی با هدف قرار دادن زمینه‌های پیدایش آن، اجتناب و فرار را کنترل می‌کند؛ زیرا با استقرار مالیات تکافلی در محله‌های با وسعت محدود، میزان فعالیت‌ها و درآمدهای حاصله آشکار است و زمینه‌ای برای فرار و اجتناب وجود ندارد.

۶.۳.۹. کاهش تعیین میزان مالیات به صورت علی‌الرأس

تشخیص علی‌الرأس به معنی تعیین میزان مالیات بر اساس برآورد ممیز مالیاتی است. معمولاً در مواردی مانند بستانکار بودن صندوق یا بانک، عدم رعایت ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم، تقدم و تأخر در ثبت اسناد حسابداری در حد نامعقول، نداشتن سریال چاپی در فاکتورهای فروش، کتمان فروش، تأخیر در پلمپ دفاتر قانونی یا عدم پلمپ دفاتر قانونی و سایر مواردی که باعث رد دفاتر می‌شود، ممیز تشخیص رد دفاتر داده و مالیات متعلقه را بر مبنای علی‌الرأس صادر می‌نماید. در حال حاضر تشخیص علی‌الرأس از مواردی است که زمینه مخاطرات اخلاقی وسیعی را فراهم می‌آورد. شفافیت فعالیت‌ها در مالیات تکافلی، زمینه تشخیص علی‌الرأس را کاهش و مخاطرات اخلاقی را نیز به سمت صفر میل می‌دهد.

۶.۳.۱۰. کاهش مخاطرات اخلاقی

وجود مخاطرات اخلاقی نیز از چالش‌های اساسی هر نظام مالیاتی است و کاهش آن از معیارهای موفقیت به شمار می‌رود. مخاطرات اخلاقی، معلول ابهام و اجمال قوانین و فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا است که میزان اعمال سلائی و علائق ممیز و سایر کارکنان سازمان مالیاتی را افزایش می‌دهد. مالیات تکافلی با ویژگی‌های منحصر به فرد خود و شفافیت قانون و فعالیت‌های اقتصادی، زمینه تحقق مخاطرات اخلاقی را به حداقل میزان ممکن کاهش خواهد داد.

۶.۳.۱۱. تأمین مخارج جاری از منابع جاری و عمرانی از انفال

از مسائل مهم اقتصاد بخش عمومی، سهم مالیات در مخارج دولت است. مالیات تکافلی با شفافیت منابع و مشخص بودن مخارج جاری و عمرانی در گستره محدود جغرافیایی، به‌سادگی می‌تواند این رابطه را برقرار نماید.

۶.۳.۱۲. تقویت سرمایه اجتماعی

واگذاری یکی از مهم‌ترین مظاهر اقتدار حکومت به مردم، بیان‌گر اعتماد معنی‌دار دولت به مردم و عکس‌العمل طبیعی آن، اعتماد متقابل مردم به حکومت می‌باشد. مالیات تکافلی باعث افزایش اعتماد متقابل دولت و مردم، افزایش مشارکت آحاد مردم در امور مهم جامعه، تقویت همبستگی مردم و دولت، تلاش برای رفع مشکلات جامعه توسط مردم و تقویت سرمایه اجتماعی خواهد شد.

۶.۳.۱۳. رعایت عدالت عمودی و افقی

شهروندان جامعه بر اساس توان و میزان بهره‌مندی از امکانات جامعه باید در تأمین مخارج و هزینه‌ها سهیم باشند. شفافیت اطلاعات و فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا در مالیات تکافلی، زمینه رعایت عدالت افقی و عمودی را فراهم می‌سازد. مشارکت آحاد مردم در دخل و خرج جامعه باعث می‌شود که همه در آن مخاطب خاص محسوب شوند و از هرگونه اجحاف جلوگیری کنند و منابع حاصل به صورت بهینه تخصیص داده شود.

۷. مقایسه مالیات تکافلی و مالیات محلی

مقایسه مالیات محلی و مالیات تکافلی، پس از توضیحات صفحات گذشته، در قالب جدولی صورت می‌پذیرد که به طور نسبی تطابق را در چهار گروه ضعیف، متوسط، خوب و عالی، بیان خواهیم کرد.

مقایسه مالیات محلی و مالیات تکافلی بر اساس مالیات خوب

ردیف	ویژگی‌های مالیات خوب	مالیات محلی	مالیات تکافلی	ملاحظات
۱	برابری و عدالت	متوسط	خوب	ترجیح مالیات تکافلی
۲	اطمینان	خوب	خوب	بدون ترجیح
۳	سهولت پرداخت	متوسط	خوب	ترجیح مالیات تکافلی
۴	کارایی	خوب	عالی	ترجیح مالیات تکافلی
۵	صرفه‌جویی در جمع‌آوری	متوسط	عالی	ترجیح مالیات تکافلی
۶	سادگی	خوب	عالی	ترجیح مالیات تکافلی
۷	بی‌طرفی	متوسط	متوسط	بدون ترجیح
۸	شفافیت و پیدایی	خوب	خوب	بدون ترجیح
۹	منافع مناسب دولت	خوب	خوب	بدون ترجیح
۱۰	برقراری پایه گسترده	متوسط - خوب	خوب	ترجیح مالیات تکافلی
۱۱	اطمینان از فرایند باز	متوسط - خوب	خوب	ترجیح مالیات تکافلی
۱۲	استقلال	متوسط	متوسط	بدون ترجیح
۱۳	خوداظهاری	متوسط - خوب	خوب - عالی	ترجیح مالیات تکافلی
۱۴	فرهنگ مالیاتی	متوسط	خوب	ترجیح مالیات تکافلی

مقایسه مالیات محلی و مالیات تکافلی بر اساس تکالیف مالی اسلامی

ردیف	ویژگی های مالیات خوب	مالیات محلی	مالیات تکافلی	ملاحظات
۱	عبادی بودن	ضعیف	عالی	ترجیح مالیات تکافلی
۲	معین بودن موارد مصرف	خوب	خوب - عالی	ترجیح مالیات تکافلی
۳	مردمی و اخلاقی بودن	متوسط - خوب	خوب - عالی	ترجیح مالیات تکافلی
۴	داوطلبانه بودن	ضعیف - متوسط	خوب	ترجیح مالیات تکافلی
۵	مستقیم بودن	متوسط	خوب	ترجیح مالیات تکافلی
۶	نسبی بودن	متوسط	خوب	ترجیح مالیات تکافلی
۷	غیرقابل انتقال بودن	ضعیف - متوسط	خوب - عالی	ترجیح مالیات تکافلی
۸	تشویق تولید	متوسط	خوب	ترجیح مالیات تکافلی
۹	تخصیص در محل	عالی	عالی	بدون ترجیح
۱۰	افزایش کارایی	متوسط - خوب	متوسط - خوب	بدون ترجیح
۱۱	تخصیص بهینه	متوسط - خوب	خوب	ترجیح مالیات تکافلی
۱۲	کاهش مخاطرات اخلاقی	متوسط	خوب - عالی	ترجیح مالیات تکافلی
۱۳	نظام کارای پاداش و تنبیه	متوسط	خوب	ترجیح مالیات تکافلی
۱۴	اقتدار مناسب	خوب	خوب	بدون ترجیح
۱۵	تشویق فعالیت های مولد	متوسط	خوب	ترجیح مالیات تکافلی

ردیف	ویژگی های مالیات خوب	مالیات محلی	مالیات تکافلی	ملاحظات
۱۶	هدفمندسازی	خوب	خوب	بدون ترجیح
۱۷	کاهش فرار و اجتناب	ضعیف - متوسط	خوب - عالی	ترجیح مالیات تکافلی

در مجموع مشاهده می شود بر اساس ویژگی های مالیات خوب و تکالیف مالی اسلامی، مالیات تکافلی بر مالیات محلی ترجیح دارد؛ لذا تمرکز نظام مالیاتی بر طراحی و اجرای مالیات تکافلی در ایران و سایر کشورهای اسلامی نتیجه نوشتار حاضر می باشد.

نتیجه

مالیات، همزاد زندگی اجتماعی انسان ها و تشکیل حکومت ها می باشد که با گذشت زمان تکامل یافته و البته فراز و فرودهایی داشته است. این نوشتار مقایسه مالیات محلی و مالیات تکافلی بر اساس ویژگی های مالیات خوب است و ویژگی های تکالیف مالی اسلامی را مدنظر قرار داده است. برای این منظور با توضیح مهم ترین ویژگی های مالیات خوب (برابری و عدالت، اطمینان، سهولت پرداخت، صرفه جویی در جمع آوری، سادگی، بی طرفی، شفافیت و پیدایی، منافع مناسب دولت، برقراری پایه مالیاتی گسترده، اطمینان از فرایند باز، کارایی، شفافیت، مدیریت صحیح، سادگی، استقلال، عدالت، مشخص بودن مالیات، سهل الوصول بودن، صرفه جویی، خوداظهاری و فرهنگ مالیاتی) و ویژگی های تکالیف مالی اسلامی (عبادی بودن، معین بودن موارد مصرف هر مالیات، مردمی و اخلاقی بودن، داوطلبانه بودن مالیات ها، مستقیم بودن، نسبی بودن، غیرقابل انتقال بودن، تشویق تولید، تخصیص در محل، افزایش کارایی، تخصیص بهینه، کاهش مخاطرات اخلاقی، نظام کارای پاداش و تنبیه، اقتدار مناسب، تشویق فعالیت های مولد، هدفمندسازی و

کاهش فرار و اجتناب مالیاتی) نشان داده است که «مالیات تکافلی» با الزامات و ویژگی‌هایی مانند عزم و جسارت واگذاری، شورامحوری، آمادگی متولیان مساجد، تخصیص در محل یا عدم انتقال درآمد مالیاتی، تصدی بخش خصوصی، کاهش تصدی دولت، مسجدمحوری و احیای مساجد، شفافیت اطلاعات، حداقل‌سازی اجتناب و فرار مالیاتی، کاهش تعیین میزان مالیات به صورت علی‌الرأس، کاهش مخاطرات اخلاقی، تأمین مخارج جاری از منابع جاری و عمرانی از انفال، تقویت سرمایه اجتماعی، رعایت عدالت عمودی و افقی و برخورداری از صبغه اسلامی - ایرانی، بر «مالیات محلی» ترجیح دارد.

«مالیات تکافلی» ایده جدیدی است که واگذاری اخذ و تخصیص درآمد‌های مالیاتی به شکل محدود به بخش مردم‌نهاد با محوریت شوراها و مساجد محله‌ها را پیشنهاد می‌دهد و اتکا به آن ممکن است با ریسک‌هایی همراه باشد. اما واقعیت این است که نسخه‌های وارداتی نتوانسته‌اند در ایران و سایر کشورهای اسلامی نهادینه گردند و در اغلب موارد، مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرده‌اند. از این‌رو اندیشمندان باید روش‌های مناسب بومی را طراحی نمایند و با جرح و تعدیل‌های لازم، از نواقص آن بکاهند.

پیشنهاد اجرایی و تقنینی

با توجه به این واقعیات که: ۱. در یک نگاه، مالیات نوعی هزینه اجتماعی در نظر گرفته شده است که شهروندان در ازای خدماتی از قبیل ایجاد رفاه، آسایش، امنیت پایدار، آموزش و پرورش، آموزش عالی، بهداشت و درمان می‌پردازند. ۲. با توجه به اهمیت فدرالیسم مالی نزد اقتصاددانان که از ویژگی‌های متعددی مانند افزایش رقابت بین مناطق، سازگاری بین عرضه و تقاضای کالاهای عمومی، امکان کاهش فساد، رشد اقتصادی بالاتر، کاهش اندازه اقتصاد سایه، کارایی فرایندی و پیامدی بالاتر، کاهش مسأله سواری مجانی، مقایسه آسان بین مناطق و بهبود رفتار مالیاتی مؤدیان

برخوردار است. ۳. سیستم مشابهی در ایران در زمان حاکمیت نظام ارباب و رعیتی توسط کدخداها با دریافت مثلاً ۱.۵ درصد از محصولات و تقبل مسئولیت تأمین امنیت، قضاوت و سایر نیازهای مشابه محله‌ها توسط کدخداها وجود داشت. ۴. در حال حاضر نیز شوراهای با اتکا به منابع درآمدی شهرداری‌ها، بودجه قابل ملاحظه‌ای درمقایسه با بودجه عمرانی کل کشور^۱ را تدوین، تصویب و اجرا می‌کنند؛ در مجموع، می‌توان مالیات تکافلی را به شکل خاصی در محله‌های معین، تعریف کرد و شوراهای را مکلف به تأمین خدمات مذکور نمود.

از این رو پیشنهاد می‌شود: ۱. پژوهشهای تکمیلی برای بررسی، تصحیح و تکمیل ایده «مالیات تکافلی» صورت پذیرد. ۲. امکان‌سنجی اجرای مالیات تکافلی در دستور کار قرار گیرد. ۳. طرح یا لایحه مناسب برای مالیات تکافلی تهیه و در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد. ۴. در مرحله اول، اجرای آزمایشی آن با محدودیت زمانی (سه ساله) و محدودیت مکانی (به ترتیب: شهر کوچک، شهرستان مشخص و استان معین) به تصویب برسد؛ در واقع بهتر است در بدو امر، به صورت آزمایشی در تعدادی از محلات محدود و مناسب مانند شهرهای بسیار کوچک و روستاهای بزرگ (حداقل هزار خانوار) به شکل پایلوت اجرا شود. ۵. برخی موارد خاص مالیاتی، مانند مالیات بر املاک و عوارض شهرداری که قابلیت انتقال را دارا هستند، به مالیات تکافلی ملحق شود. ۶. مسئول اجرای مالیات تکافلی، شوراهای محلی و محل استقرار آن، مساجد اصلی باشد. ۷. جایگاه و نقش مالیات تکافلی در اقتصاد مقاومتی و گام دوم انقلاب مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

۱. شهردار تهران در جریان یکصد و بیست و یکمین جلسه شورای شهر تهران با حضور در صحن شورا، لایحه بودجه ۹۸ شهرداری تهران با سقف ۱۸ هزار و ۹۳۰ میلیارد تومان را تقدیم هیأت رئیسه شورای شهر تهران کرد.

منابع

الف) فارسی و عربی

قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، محقق و مصحح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۲. امینی، اعظم، (۱۳۸۴)، مالیات در اسلام، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۳. بستانی، فواد افرام، (۱۳۷۶)، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی: ترجمه کامل المنجد الابدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: اسلامی، چاپ دوم.
۴. دفتر انتشارات اسلامی، (۱۳۸۴)، توضیح المسائل مراجع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ یازدهم.
۵. الجزیری، عبدالرحمن، (۲۰۰۶)، کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دار الكتاب العلمیه، الطبعة الثالثة.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ دوم.
۷. حاج حسینی، حسن، (۱۳۸۸)، «درآمدی بر مبانی تکافل و تأمین اجتماعی در اسلام»، معرفت، شماره ۱۳۹.
۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق و مصحح: علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر.
۹. حمزه پور، محمدحسین و سید کاظم صدر و سید محمدعلی کفایی، (بهار ۱۳۸۱)، «بررسی مالیات بر شرکت‌ها در ایران بر اساس الگوی مالیات‌های اسلامی»، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۱۰.
۱۰. رازی، فخرالدین، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. زاهدی اصل، محمدجواد، (۱۳۷۱)، مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۲. الزحیلی، وهبة، (۲۰۰۸)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دار الفکر.
۱۳. السباعی، مصطفی، (۱۹۸۶)، التكافل الاجتماعی فی الاسلام، بیروت: المكتب الاسلامی للطباعة و النشر.
۱۴. سید نورانی، سید محمدرضا، (۱۳۸۸)، فرار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۵. صدر، سید کاظم، (۱۳۸۱)، اقتصاد صدر اسلام، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. صدر، محمدباقر، (۱۴۲۵ق)، اقتصادنا، مؤسسه دار الکتب الاسلامی، مطبعة الامیر، الطبعة الثالثة.
۱۷. طباطبائی الحکیم، سید محسن، (۱۳۹۱ق)، مستمسک العروة الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الرابعة.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: هجرت.
۱۹. کرمی، محمدمهدی و پورمند (نبی زاده)، محمد، (۱۳۸۵)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۰. مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، (تابستان ۱۳۹۱)، «دولت و پایتخت؛ بررسی تجارب جهانی کمک دولت در تأمین مالی اداره پایتخت‌ها به عنوان منبع درآمدی پایدار در مدیریت شهری»، دانش شهر، شماره ۱۱۴.
۲۱. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، دانشنامه جهان اسلام، <http://lib.eshia.ir/23019/9/3782>
۲۲. ناصح علوان، عبدالله، التكافل الاجتماعی فی الاسلام، دار السلام للطباعة و النشر و التوزيع و الترجمة، www.abdullahelwan.net.
۲۳. النجفی، شیخ محمدحسن، (۱۳۷۰)، جواهر الکلام، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.

۲۴. هاشمی، سید مناف، (تابستان ۱۳۸۸)، «تأمین مالی شهرداری‌ها: چارچوب درآمدي نهادهای محلی (شهرداری‌ها) در کشور چین»، اقتصاد شهر، شماره ۲.
۲۵. وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، (۱۴۱۲ق)، الموسوعة الفقهية، الكويت: طباعة ذات السلاسل، الطبعة الثانية.

ب) لاتین

26. Andreoni, James; Erard Brian and Jonathan Feinstein, (1998", (Tax Compliance , "Journal of Economic Literature, Vol. 36, No. 2 .
27. Bell ,Michael E.; Brunori, David and Joan Youngman, (April 2010 ,(The Property Tax and Local Autonomy (Land Lines Article.(
28. Brooks Neil, (2001 ,(Presentat ion Paper of" Key Issues in Income Tax: Collenges of Tax Administrat ion and Compliance , "Tax Conference Tokyo: Asian Development ;Bank Inst itute.
29. Fortin, guy Brooks Neil, (2001), Presentat ion Paper of" Key Issues in Income Tax :Collenges of Tax Administrat ion and Compliance , "Tax Conference Tokyo :Asian Development.

ج) سایت‌های اینترنتی

30. <http://www.businessdictionary.com/definition/local-taxes.html>
31. <http://www.investopedia.com/terms/l/localtax.asp>
32. <http://www.isna.ir/fa/news/93061710561./>
33. <http://fatwa.islamweb.net/Fatwa/index.php?page=showfatwa&Option=FatwaId&Id.۱۲۵۳۳=>
34. <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/ashrafiar/feqh/32/910316> .